



بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره ی شهدای استان چهارمحال و بختیاری - 15 / مهر / 1394

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

من خاطره های خوبی از چهارمحال و بختیاری دارم. يك سفر در سالهای دهه ی 60 - زمان ریاست جمهوری - رفتم به شهرکرد برای تشجیع و تحریص مردم به حضور در جبهه ها ؛ این يك سفر استانی بود که استانهای متعددی میرفتیم، از جمله رفتم شهرکرد. خب، همه جا مردم اجتماع میکردند و تجاوب (1) میکردند لکن شهرکرد در ذهن من همین طور زنده مانده. هوا هم سرد بود - آنجاها هم سرد است - محلّ سخنرانی ما را گذاشته بودند يك جایی که دو خیابان از آن منشعب میشد. من همین طور که نگاه کردم، دیدم تا آنجایی که چشم کار میکند، این مردم در هر دو خیابان با لباسهای محلی، با پرچمهای گوناگون، با آثار حضور واقعی و قلبی - و نه فقط جسمانی - شرکت دارند و حضور دارند. به قدری این حضور بارز بود و انگیزه ی مردم آشکار بود که انسان با يك نگاه کردن، خیلی چیزها را میفهمید از این مردم و از این منطقه. من فراموش نمیکنم و این در یادم است. البته قبل از آن و بعد از آن هم شهرکرد رفته ام و با مردم و با اجتماعات مواجه شده ام لکن آن سفر سفر عجیبی بود و تأثیر عجیبی در ذهن بنده باقی گذاشت. يك بار هم قبل از آن، برای ملاقات با تیپ قمربنی هاشم رفتم شهرکرد و رفتم مرکز تیپ ؛ آن هم هرگز از یاد من نمیرود. خب، من [به] مراکز بچّه های سپاه [در] اغلب جاها رفته ام ؛ میرفتیم می نشستیم حرف میزدیم، بحث میکردیم. يك جاهایی در بین این مراکز، يك خصوصیاتی داشت که در ذهن انسان باقی میماند ؛ یکی اش همین تیپ قمربنی هاشم شهرکرد است که من یادم نمیرود ؛ رفتیم آنجا، بچّه های بااخلاص، مؤمن، وضعیّت فقیرانه، آنجایی که اینها داشتند، خیلی وضعیّت با امکانات محدود اما درعین حال انگیزه های محکم ؛ و رفتیم و ساعتی - حالا یادم نیست چند ساعت - با اینها بودیم، ناهار هم با اینها خوردیم ؛ من با يك احساس بسیار رضایتمندی از آنجا بیرون آمدم.

خب، چیزهایی هم که آقایان گفتند از سوابق علمی و نظامی و سیاسی و مانند اینها، آنها هم همه به جای خود محفوظ و همه ارزش است. نکته ای که آقای نکنونام گفتند درباره ی آمدن مردم چهارمحال و بختیاری [به تهران] برای ابراز بیزاری از بختیاری، (2) خیلی مهم است. ممکن است مردم شیراز، مردم مشهد، مردم تبریز هم بیایند از بختیاری ابراز بیزاری بکنند اما خیلی فرق میکند که مردم بختیاری بیایند از يك فرد سیاسی شاخص بختیاری که در مقابل انقلاب و در مقابل امام قرار گرفته، ابراز بیزاری کنند ؛ این نکته مهم است. این هم که ایشان گفتند که مردم توقع دارند که آن روز روز شاخصی باشد، درست است، این واقعاً جا دارد ؛ چون در بین عشایر این وابستگی ها و پیوندهای عشایری، چیز کوچکی نیست، چیز خیلی مهمی است. اینها همان کسانی هستند که در قضیه ی مشروطه، بلند شدند از شهرکرد - آن وقت ده کرد - آمدند اصفهان و اصفهان را گرفتند و آمدند تهران و کارهای بزرگی را انجام دادند، بیشتر با پیوندهای محلی این کار را میکردند ؛ یعنی تأثیرات قبایلی و عشایری بر روی مردم وجود داشت که حرکت میکردند می آمدند. اما همین پیوندها در آنجایی که پای دین در میان است، پای انقلاب در میان است، پای امام در میان است، بکلی کم رنگ میشود و بی خاصیت میشود و از بین میرود ؛ این خیلی چیز مهمی است. بنابراین خیلی کار بجا و بموقعی است این بزرگداشتی که دارید انجام میدید.

به يك نکته ای توجه کنید: ما مواجهیم با يك حمله ی همه جانبه ی فرهنگی و اعتقادی و سیاسی اعلام نشده ؛ یعنی شما حالا که من دارم میگویم، قاعدتاً از من قبول میکنید لکن اطلاع ندارید از آنچه دارد اتفاق می افتد ؛ بنده اطلاع دارم از آنچه دارد اتفاق می افتد ؛ من دارم میبینم چه دارد اتفاق می افتد ؛ لشکر فرهنگی دشمن و لشکر سیاسی دشمن با همه ی ابزارهایی که برایشان ممکن بوده، حمله کرده اند به ما برای سست کردن اعتقادات دینی ما، سست کردن اعتقادات سیاسی ما، تقویت نارضایی ها در داخل کشور، جذب جوانها بخصوص جوانهای فعّال و



اثرگذار در سطوح مختلف برای مقاصد خودشان؛ دارند کار میکنند. خوب، در مقابل اینها کارهایی دارد انجام میگیرد؛ بچه های حزب اللهی، مردمان مؤمن، مسئولان باتعهد کارهای خوبی دارند انجام میدهند لکن بیش از اینها باید در کشور کار بشود. یکی از قلمهای مهم، همین است که این مفاهیم با ارزش مثل مفهوم جهاد، مفهوم شهادت، مفهوم شهید، مفهوم خانواده ی شهید، مفهوم صبر برای خدا، احتساب لله باید زنده بماند.

خب، البته با تظاهرات بیرونی، بخشی از این مقصود انجام میگیرد، یعنی من مخالف نیستم با پرده نویسی و تندیس و سردیس و اسم خیابان مانند اینها - اینها چیزهای خوبی است؛ اینها لازم است، بیش از خوب - لکن اینها اصلاً کافی نیست؛ اینها يك بخش خیلی کوچکی از آن کاری است که باید انجام بگیرد. کار را عمقی انجام بدهید؛ سعی کنید اثر بگذارید بر روی ذهنها؛ مخاطبان خود را اقناع کنید با سخنان درست خودتان. این کار، فکر کردن لازم دارد. اصحاب فکر، مردمانی که دارای قدرت تفکر هستند و مسائل را میفهمند، همراه با اصحاب هنر، کسانی که هنر ارائه دارند، هنر تبلیغ دارند - از نقاش و شاعر و فیلم ساز و نویسنده و امثال اینها - باید همه با هم دست به دست هم بدهند، محصول کار چیزی از آب دربیاید که بر روی ذهن مخاطبین اثر بکند. یعنی آن توطئه ای را که الان دارد اجرا میشود - نه اینکه دارد برنامه ریزی میشود؛ برنامه ریزی اش خیلی قبل شده؛ الان دارد در کشور اجرا میشود - خنثی بکند. این کار، هم به عهده ی دولتی ها است، هم به عهده ی مردمان مؤمن است، هم مسئولین رسمی، هم مسئولین غیر رسمی؛ هرکسی که تعهدی دارد، در این زمینه باید فعالیت کند. يك قلم کار همین کار شما است؛ یعنی کار احیاء مفهوم شهادت و ارزش شهادت و ارزش شهید. در این جهت ان شاءالله حرکت کنید، خدای متعال هم کمک خواهد کرد.

والسلام علیکم ورحمةالله

.....
(1) جواب دادن

(2) اشاره ی حجّت الاسلام والمسلمین محمدعلی نکونام (نماینده ی ولیّ فقیه در استان چهارمحال و بختیاری و امام جمعه ی شهرکرد) به حرکت جمعی از مردم استان به سمت تهران و دیدار ایشان با حضرت امام خمینی (قدس سرّه الشریف) در نوزدهم بهمن 1357 برای ابراز بیزارى از شاپور بختیار (آخرین نخست وزیر رژیم پهلوی)